

اذان؛

رسانه‌های از جهان ملکوت

❖ محمدعلی مروّجی طبسی
پژوهشگر و کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی

اشاره

این نوشتار
بر آن است
تا با رویکرد
رسانه‌ای، نگاهی
نو به «اذان»
افکند و به
بررسی آن، از
زوایای گوناگون
بشناسد.

معنای اذان

واژه «اذان» در لغت، به معنای آگاهی و اعلام است (معجم مقاییس اللغة: ۵۱) و در اصطلاح شرع، جملات خاصی است که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را از عالم غیب دریافت و به مردم ابلاغ کرد. این جملات به صورت معمول، در اوقات شرعی قبل از اقامه نماز گفته می‌شوند. در اینجا با دقت در معنای لغوی اذان می‌توان به دو نکته پی برد:

الف- اذان، نوعی «اعلام» وقت شرعی و اجازه ورود به حریم نورانی نماز است. این معنا، در اصطلاح «اذان اعلام» نیز که به معنای آگاه‌ساختن مردم به فرارسیدن اوقات نماز است، دیده می‌شود. (مصطلح الفقه: ۵۰)

ب- از آنجا که مفهوم اذان بر پایه «اطلاع‌رسانی» و «آگاهی‌بخشی» استوار است، می‌توان آن را رسانه‌ای کلامی دانست.

جایگاه ارزشی اذان در آموزه‌های

دینی

در نگاه خاندان پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اذان رسانه‌ای ارزشی به‌شمار می‌رود؛ زیرا انسان -مهم‌ترین گیرنده پیام- را از آسیب‌ها و لغزش‌ها مصون می‌سازد، موجب عزت‌مندی و سرفرازی انسان می‌شود و آدمی را در جایگاه شایسته و بایسته خود قرار می‌دهد. به تعبیر روایات، اذان گوینده خود را بهشتی و از آتش دوزخ ایمن می‌کند و به او در قیامت، قامتی بلند می‌بخشد. مؤذن از دیدگاه پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) حق سپاس و قدردانی به گردن جامعه اسلامی دارد. برخی از روایات نقل شده در این زمینه را ذکر می‌کنیم:

- امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:



«أَطُولُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُؤَدَّنُونَ؛ سربلندترین و بلندقامت‌ترین مردم در قیامت، اذان‌گویان هستند.» (ثواب الاعمال: ۶۴)

- امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَحَقُّ الْمُؤَدَّنِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مَذْكُرٌ لَكَ رَبِّكَ عَزَّوَجَلَّ وَ دَاعٍ لَكَ إِلَى حِطِّكَ وَ عَوْنِكَ عَلَى قَضَاءِ فِرْضِ اللَّهِ عَلَيْكَ فَاشْكِرْهُ عَلَى ذَلِكَ شَكَرَكَ لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ؛ حق مؤذن این است که بدانی او، تو را به یاد پروردگارت، عزوجل، می‌اندازد و به سوی بهره و نصیب کامل فرا می‌خواند و یاری‌کننده توست که واجب را انجام دهی. پس او را به این جهت سپاس گوی، مانند سپاسگزاری از کسی که به تو نیکی کرده است.» (شیخ صدوق، خصال: ۵۶۹)

- عن علی (علیه‌السلام) قال: قال رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم) للمؤذن فیما بین الأذان والإقامة مثل أجز الشَّهيد المتشحط بدمه فی سبیل الله تعالی قال: قلت: یا رسول الله إنيهم یختارون علی الأذان والإقامة. فقال: کلاً انه یأتی علی الناس زمان ینطرحون الأذان علی ضعفائهم فتلک لحم حرمه‌الله علی النار؛ از امام‌علی (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمود: رسول‌خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم) فرمود: پادشاه مؤذن در میان اذان و اقامه مانند اجر شهیدی است که در راه خدا به خون خود غلطیده است. عرض کردم: یا رسول‌الله! همانا آنها از این به بعد به خاطر (ثواب) اذان آن چنان از هم سبقت می‌گیرند که با هم درگیر خواهند شد! پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم) فرمود: «نه، اینچنین نیست. همانا زمانی بر مردم خواهد آمد که اذان را به گردن ضعیفان خود اندازند. آن ضعیفان، کسانی هستند که خداوند گوشت‌هایشان را بر آتش حرام کرده است.» (همان، جلد ۵: ۳۷۲)

مضمون این روایات، به‌خوبی جایگاه ارزشی این رسانه قدسی و آسمانی را در فرهنگ باورهای دینی ما نشان می‌دهد.

اذان؛ پیامی وحیانی

در مکتب اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) اذان، پیامی وحیانی و آسمانی است؛ یعنی مبدأ فرستنده پیام، خداوند است که آن را از طریق وحی به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم) ارسال می‌کند تا او نیز پس از دریافت این سرروش غیبی از شبکه نورآفرین ملکوت،

فکری

دنیای مدرن و متمدن امروز که «عصر ارتباطات» لقب گرفته است، عرصه‌ای مناسب برای خودنمایی ایسم‌ها، فلسفه‌ها و نظام‌های فکری گوناگون و گاه متضاد است؛ مکاتبی که جهان‌بینی آنها به‌صورت معمول بر پایه ماده‌گرایی، پوچ‌گرایی و یا انسان‌محوری بنا شده است.

در چنین فضایی، «اذان» تنها رسانه‌ای است که با محتوایی رسا و گویا، تمامی گفتمان‌ها و نظام‌های فکری غیردینی را به چالش می‌کشد و آنها را با سلاح «بیان» دگرگون می‌سازد. اذان، رسانه‌ای کلامی است که نقطه آغاز و پایانش لفظ جلاله «الله» است. با تکرار «الله اکبر» شروع و به «لا إله الا الله» ختم می‌شود. چنین آغاز و پایانی، پیامی مهم برای شنوندگان و مخاطبان به همراه دارد؛ آن پیام این است که این جهان از «او» و بازگشتش به سوی «او»ست. فقط اوست که «خالق»، «مالک» و «رب» هستی است. از این‌رو، گفتمان‌ها و بایدها و نبایدهایی که خاستگاه و مقصد خدایی ندارند، بر پایه‌های استواری بنا نشده‌اند و هیچ ارزش و اعتباری ندارند.

اذان، رسانه‌ای است که بندگی و مسئولیت انسان را یادآوری می‌کند و شخصیت او را در این چارچوب قرار می‌دهد؛ مسئولیتی که خداوند از طریق آخرین و برترین پیامبرش حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم) به انسان‌ها ابلاغ کرده است (اشهد ان محمداً رسول الله). در روایتی از امام رضا (علیه‌السلام) نقل شده است که ایشان درباره علت تشریح اذان فرموده‌اند: اذان به دلایل فراوانی تشریح شد؛ از جمله آنها این است که... به عبادت خالق تشویق و دعوت می‌کند و موجب می‌شود بنده به توحید اقرار کند و ایمان و اسلامش را آشکار سازد... «(بحار الانوار، جلد ۸: ۱۴۳)

آنچه از این حدیث نورانی فهمیده می‌شود، قدرت تأثیرگذاری مثبت و هدفمند اذان بر مخاطبان است. بنابراین می‌توان گفت ایجاد تحول و دگرگونی در گفتمان‌ها، نگرش‌ها و نظام‌های فکری، نخستین نقش رسانه‌ای اذان در بُعد محتوایی است.

شعار آزادی و آزادی

اسلام، مکتبی حماسی است که هر روز

آن را در سطح جهانی بازتاب دهد. در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که فرموده‌اند: «لَمَّا هَبَطَ جِبْرِئِيلُ (علیه‌السلام) بِالْأَذَانِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، كَانَ رَأْسُهُ فِي حَجَرٍ عَلَى (علیه‌السلام). فَأَذَنَ جِبْرِئِيلُ (علیه‌السلام) وَ أَقَامَ. فَلَمَّا انْتَبَهَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ: يَا عَلِيُّ سَمِعْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: حَفِظْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: ادع بالالا فَعَلِمَهُ. فدعا علي (علیه‌السلام) بالالا فَعَلِمَهُ؛ هنگامی که جبرئیل (علیه‌السلام) به همراه اذان بر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم) نازل شد، سر مبارک پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم) در دامان علی (علیه‌السلام) بود. جبرئیل (علیه‌السلام) اذان و اقامه گفت. وقتی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و سلم) از حالت وحی خارج شد، فرمود: یا علی! شنیدی؟ گفت: آری. فرمود: حفظ کردی؟ گفت: آری. فرمود: بلال را صدا بزن. علی (علیه‌السلام) بلال را فراخواند و آنگاه اذان را به بلال یاد داد.» (فروع کافی: ۱۵۴)

روایات دیگری نیز وجود دارد که بر وحیانی‌بودن اذان یافشاری می‌کند. امام صادق (علیه‌السلام) ضمن موضع‌گیری سرسختانه در برابر کسانی که خاستگاه اذان را رؤیای برخی افراد می‌دانند، فرمودند: «ینزل الوحی علی نبیکم فترعموا انه اخذ الاذان من عبدالله بن زید؛ بر پیامبر شما وحی نازل می‌شود، اما گمان می‌کنید که اذان را از عبدالله بن زید دریافت کرده است؟» (وسائل الشیعه، جلد ۵: ۳۷۰)

بنابراین، نگاه ما به اذان، نگاه به رسانه‌ای قدسی، پیامی آسمانی و برخاسته از جهان ملکوت است.

اذان از بُعد محتوایی

اذان به عنوان رسانه‌ای الهی، چکیده‌ای از اندیشه‌های ناب اسلامی را در قالب رساترین، شیواترین و زیباترین عبارات منعکس کرده است. از این‌رو می‌توان گفت اذان از بُعد محتوایی، نقش رسانه‌ای بسیار ارزنده و مهمی برای مخاطبان خود ایفا می‌کند؛ نقشی که می‌تواند الگوی مناسبی برای دیگر رسانه‌ها قرار گیرد. مهم‌ترین محورهایی که این رسانه قدسی به آنها پرداخته و افکار عمومی را بدان سوق می‌دهد، عبارتند از:

دگرگونی در گفتمان و نظام‌های

آنچه به شخصیت انسان، جامعه بشری و امت اسلامی کمال، اتحاد و یگانگی می‌دهد، قرار گرفتن در نظام توحیدی و ولایی است؛ نظامی که در آن هرگونه هواپرستی، جاه‌پرستی، پول‌پرستی، بردگی طاغوت، تبعیض و بی‌عدالتی به شدت نفی و طرد می‌شود. رسانه آسمانی اذان هر روز این پیام را کوتاه و گویا به مخاطبان خود ارسال می‌کند.



از طریق رسانه اذان، پیام هیجان‌ساز و حرکت‌بخش «آزادی» و «آزادگی» را به گوش جهانیان می‌رساند. به بیانی دیگر، رسانه اذان نگاهی فراگیر به «آزادی» دارد؛ هم شعار آزادی می‌دهد و هم اصول و مبانی آزادی را بیان می‌کند. اینکه عوامل اسارت و سلب آزادی چیست و چگونه می‌توان آزاد زیست، درحقیقت همان اصول و مبانی آزادی است که همراه جنبه شعاری آن در این دو فصل اذان: «اشهد أن لا إله إلا الله» (گواهی می‌دهم معبودی جز خدای یکتا نیست) و «لا إله إلا الله» تبلور یافته است.

«لا إله إلا الله» ترکیبی از «نه» و «آری»، «نفی» و «اثبات» و «عصیان» و «تسلیم» است؛ عصیان و تمرد در برابر «خدایان دیگر» و تسلیم در برابر «خداوند یکتا». تسلیم بدون نفی خدایان دیگر امکان‌پذیر نیست. چنین نفی و اثباتی هم شعار آزادی است و هم بیانگر این است که آنچه موجب اسارت انسان و مانع آزادی او می‌شود، تسلیم‌شدن و بندگی در برابر «آلهه» است.

از دیدگاه قرآن کریم، «آلهه» مصادیق متعددی دارد که هر یک از آنها ممکن است معبود انسان قرار گیرد و در نتیجه آزادی او را سلب کند. به‌طور کلی، با استفاده از آیات قرآن می‌توان سه عامل مهم را در از بین بردن آزادی انسان مؤثر دانست:

الف- **هواپرستی:** «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا» (فرقان: ۴۳)؛ «آیا دیدی کسی را که هوای نفس را معبود خود برگزیده است؟ آیا تو می‌توانی او را هدایت کنی یا به دفاع از او برخیزی؟»

باتوجه به این آیه، کسی که خواسته‌های نفسانی مانند حرص، خشم، شهوت و طمع را محور و معیار قرار می‌دهد، درحقیقت خود را بنده و تسلیم آنها کرده است.

ب- **سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری:** «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي» (قصص: ۳۸)؛ «فرعون گفت: ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم.»

فرعون از دیدگاه قرآن، «طاغوت» و «مستکبری» بود که با ادعای «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» توانسته بود قوم خود را «گمراه» و آنها را برده خود کند. طبق آیه شریفه، سرسپردن

به قدرت‌های سلطه‌گر و استکباری، اسارت و بردگی اجتماعی را به دنبال دارد.

ج- **خرافه‌گرایی:** «فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَازُ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ (طه: ۸۸)؛ «و برای آنها مجسمه گوساله‌ای که صدایی همچون صدای گوساله واقعی داشت، پدید آورد و به یکدیگر گفتند: این خدای شما و خدای موسی است! و او فراموش کرد پیمانی را که با خدا بسته بود!»

گوساله‌پرستی، مظه‌ری از اوهام‌پرستی و خرافه‌گرایی است که می‌تواند اندیشه و عقل انسان را به غل و زنجیر کشد.

پس در جمع‌بندی از آیات یادشده می‌توان گفت که انسان برای رسیدن به عبودیت «الله» تعالی، نیازمند دو نوع آزادی است: نخست، «آزادی اجتماعی» که به معنای رهایی از سلطه سران طاغوت و استکبار است و دیگر، «آزادی معنوی» که به معنای رهایی فکر از خرافات و اوهام و نیز آزادی روح و اراده از خواسته‌های حیوانی و هواهای نفسانی است. جان سخن آنکه شعار «آزادی» و «آزادگی» همراه با اصول و مبانی خود در قالب زیباترین بیان در رسانه اذان جلوه‌گر شده است.

اتحاد بر محور «یکتاپرستی» و «ولایت‌پذیری»

چه باید کرد تا کشور روح انسان تجزیه نشود و جامعه یکپارچه انسانی به «من»ها، «گروه»ها و «طبقات ناهماهنگ» تبدیل نشود؟ به‌راستی، عامل جلوگیری از تفرقه و متلاشی‌شدن اجتماعات بشری چیست؟

رسانه آسمانی اذان، پاسخی روشن و راهکاری اطمینان‌بخش برای این پرسش‌ها دارد. از دیدگاه این رسانه قدسی، آنچه موجب وحدت و یگانگی میان جوامع انسانی می‌شود، حرکت و جهت‌گیری بر محور «توحید» و «ولایت‌پذیری» الله تعالی است. در این رسانه، «الله اکبر» و «لا إله إلا الله» سرفصل‌های مهمی هستند که پرده از راز این معما برمی‌دارند.

«الله» همان خدای یکتا، بی‌همتا و بی‌نیازی است که همه چیز به او نیازمند و وابسته است (فاطر: ۱۵)، نیکوترین نام‌ها، بالاترین اوصاف و همه صفات کامل از آن اوست (حشر: ۲۴ و روم: ۲۷)، بی‌آنکه کاستی و نقص داشته باشد (اسرا: ۴۳). سبب‌ها و علت‌ها

تأثیر و وجود خود را از او دارند (انعام: ۱۰۲ و کهف: ۳۹) و به همین دلیل، فقط چنین خدایی سزاوار پرستش و اطاعت است (هود: ۲۶ و محمد ۱۹)، و فقط اوست که باید قبله روح و جهت حرکت قرار گیرد: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّى فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ خَنيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ». (انعام: ۷۹)

آری، «الله» تعالی همان خدایی است که پذیرش ولایت او موجب ورود انسان به سرزمین نور می‌شود (بقره: ۲۵۷)؛ همان طور که خروج از ولایتش پیامدی جز پیوستن به طاغوتیان و گام برداشتن در تاریکی‌ها به همراه ندارد.

اما چگونه می‌توان به سرزمین نور که همان مقام والای «ولایت‌مداری» است، گام نهاد؟ از دیدگاه قرآن کریم، مهم‌ترین نشانه ولایت‌مداری، اطاعت از خداوند و فرمان برداری از دستورهای پیامبرگرامی اسلام (صلی‌الله علیه‌وآله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را و پیامبر خدا و اولی‌الامر [اوصیای پیامبر] را اطاعت کنید و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید و از آنها داوری بطلبید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این کار برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

در این آیه شریفه با توجه به سیاق آیه و روایات، مقصود از «اولی‌الامر»، امامان معصوم (علیهم‌السلام) است.

بنابراین آنچه به شخصیت انسان، جامعه بشری و امت اسلامی کمال، اتحاد و یگانگی می‌دهد، قرار گرفتن در نظام توحیدی و ولایی است؛ نظامی که در آن هرگونه هواپرستی، جاه‌پرستی، پول‌پرستی، بردگی طاغوت، تبعیض و بی‌عدالتی به‌شدت نفی و طرد می‌شود. رسانه آسمانی اذان هر روز این پیام را کوتاه و گویا به مخاطبان خود ارسال می‌کند.

ایجاد انگیزه برای بالندگی و عمل‌گرایی

تعالیم روح‌بخش اسلام، «عمل» را شرط لازم برای نیک‌بختی و بالندگی جامعه بشری؛

به‌ویژه امت اسلامی می‌داند. «عمل صالح» در نگاه این مکتب جاودانه، ملتی را از «حیات طیبه» برخوردار می‌کند و از پاداش بی‌پایان الهی بهره‌مند می‌سازد. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَثْنَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

«وَ أُن لِّس لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۳۹)؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست».

در احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز تأکید بر عمل، بسیار چشمگیر و شگفت‌انگیز است. در روایتی تکان‌دهنده و دلنشین از امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمودند:

«لَا تَكُن مَمَّنْ يَرُجُوا الْآخِرَةَ بغيرِ عَمَلٍ وَ يَرْجَى التَّوْبَةَ بِطَوْلِ الْأَمَلِ...؛ از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است، و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد. چون زاهدان، درباره دنیا سخن می‌گویند، اما در رفتار همانند دنیاپرستان است. اگر نعمت‌ها به او برسد، سیر نمی‌شود، و در محرومیت قناعت ندارد... نیکوکاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد. گناهکاران را دشمن دارد، اما خود یکی از گناهکاران است... برای دیگران که گناهی کمتر از او دارند، نگران، و بیش از آنچه عمل کرده، امیدوار است...».

عصاره این اندیشه ناب و تابناک، در دو فصل «حی علی الصلوة؛ بشتابید به سوی نماز» و «حی علی خیر العمل؛ بشتابید به سوی بهترین عمل» تجلی پیدا کرده است. از دیدگاه این رسانه قدسی، نماز و ولایت، این حلقه وصل میان عبد و معبود و بهترین «عمل» است؛ عملی که انسان برای پاک‌سازی از آلودگی‌ها و پرواز به سمت «لاهویتان» سخت‌بدان نیازمند است. از این رو، باید به‌سوی او بشتابید. پس می‌توان گفت که پیام این دو فصل در اذان، آن است که انسان بهره‌مند از عنصر ایمان، باید عمل‌گرایی را شعار و معیار بالندگی و رستگاری خود قرار دهد.

امیدبخشی نسبت به آینده
امیدواری به آینده‌ای درخشان و روشن،

روح حرکت و پیشرفت است؛ به‌طوری که نبود آن هنگام شکست‌ها و سختی‌ها، موجب می‌شود عمر انسان خزان شود و مرگ تدریجی بر زندگی او سایه افکند.

اذان رسانه‌ای است که روزانه جمله «حی علی‌الفلاح» در آن تکرار می‌شود و بارقه امید در دل‌ها می‌تاباند. «فلاح» در اصل به معنای بریدن و شکافتن است و به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق می‌شود. گویا پیروزمندان و رستگاران کسانی هستند که با شکافتن موانع و شکستن سدها، به مقصد نهایی می‌رسند. شعار «بشتابید به سوی رستگاری» چشم‌انداز آینده ایمان و عمل است؛ آینده‌ای همراه با پیروزی و کامیابی و رسیدن به قله‌های کمال. چنین نوید امیدبخشی به آینده را می‌توان نقشی دیگر برای رسانه آسمانی اذان از بُعد محتوایی برشمرد.

نتیجه‌گیری

- اذان، رسانه‌ای ملکوتی و سرشار از مضامین بلند آسمانی است. توجه همگان؛ به‌ویژه متولیان فرهنگ به اهمیت و جایگاه ارزشی آن می‌تواند به احیای این شعار پرمحتوا و تبدیل شدن آن به جزئی از فرهنگ غالب منجر شود.

- جهاد اصحاب رسانه در جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن، آن است که با رفتار و گفتار خود اندیشه‌های ناب اسلامی را در سطح گسترده‌ای به افکار عمومی عرضه و اطلاع‌رسانی کنند.

- اذان به‌عنوان رسانه‌ای از جهان ملکوت، می‌تواند در این زمینه‌ها، الگوی مناسبی برای دیگر رسانه‌ها باشد؛ شناسایی و به‌چالش کشاندن گفتمان‌ها و نظام‌های فکری بی‌پایه در عصر ارتباطات، پرداختن به شعار آزادی و آزادگی و تبیین اصول و مبانی آن از دیدگاه عقل و دین، ایجاد اتحاد و همدلی بر محور توحید و ولایت‌پذیری، دوری کردن از اختلاف‌افکنی و تفرقه، ایجاد شوق و انگیزه برای عمل‌گرایی به عنوان معیار بالندگی و رستگاری، امیدبخشی به آینده‌ای درخشان در پرتو نظام توحیدی و ولایی.

مقاله پیش رو برگرفته از منبع زیر است:

- نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۸۰.